

بمنصب ده هزاری در هزار سوار و امر سنگه چندراوت باضافه پانصدی
 بمنصب دو هزار و پانصدی یک هزار و سیصد سوار و سید منورخان
 بمنصب هزار پانصدی هزار سوار و اعتماد خان باضافه پانصدی صد سوار
 بمنصب دو هزار و پانصدی چهارصد سوار و از اصل اضافه تهور خان
 بمنصب دو هزاری هزار سوار و نصیری خان بمنصب دو هزاری
 هشت صد سوار و اعتبار خان قلعه دار اکبر آباد بمنصب دو هزاری
 هفت صد سوار و رحمت خان بمنصب دو هزاری چار صد سوار
 و کاکر خان بمنصب هزاری و پانصدی هزار هشت صد سوار و
 فضل الله خان بمنصب هزار و پانصدی شش صد سوار و محمد
 علی خان بمنصب هزار و پانصدی سیصد سوار و شجاع خان
 بمنصب هزاری نه صد سوار و دارن خان بمنصب هزاری شش
 صد سوار و حامد خان و میر ابراهیم ولد شیخ میر مرحوم هر یک
 بمنصب هزاری پانصد سوار و عبد الرحیم خان و ناظر خان هر یک
 بمنصب هزاری دو صد سوار و برق انداز خان بمنصب هزاری صد
 و پنجاه سوار سرانرازی یافتند و طاهر خان و فیض الله خان و
 حسن علی خان هر یک بعفایت اسپ با ساز طلا و همت خان
 بمرحمت علم و بزرگ امید خان بعفایت اسپ و از اصل و اضافه
 بمنصب هزاری چهار صد سوار و محمد کامگار خان و اب جعفر خان
 از اصل و اضافه بمنصب هزاری دو صد سوار بخطاب کامگار خانی و
 فرخ فال ولد یمن الدوله آصف خان مرحوم بانعام ده هزار روپیه
 و میر غضنفر میر توزوک بخطاب یکه تاز خانی و دارالبخان و
 عرب شیخ ولد طاهر خان و بختاور خان هر یک بعفایت اسپ

و بر صوجی دکنی که از منصب معزول شده بود بسالیانہ بیست هزار
 روپیدہ و انوب سنگہ زمیندار ماندهو بعطای مرپیچ و دهکدهکی
 مرصع و محمد منصور کشغری بعنایت شمشیر با ساز میداکار و
 مکتوب خان و نہال چند جوهری و مان سنگہ باد فروش ہریک
 بمرحمت مادہ فیل و خوشحال خان کلونٹ بعنایت اسپ و
 گروہر داس پیش دست میر سامان بخطاب رائی سر بلندی یافتند
 و شیخ عبد اللہ اکبر آبادی و خواجہ وفا از اہل ہاراء الفہر
 ہریک بانعام دو ہزار روپیدہ و تقوی شعار شیخ محمد اشرف
 لاهوری و سید بدایت اللہ قادری و حاجی قاسم خوشنویس و
 شیخ جمال محدث و شیخ قطب و ملا فروغی شاعر و چندی دیگر
 ہر کدام بانعام یک ہزار روپیدہ بہرہ اندوز مرحمت گشت و پنج ہزار
 روپیدہ بزمیرہ نغمہ سنجان و سرود سرایان آن بزم مسعود عطا شد و
 درین روز عالم افروز از جانب بہین ثمرہ شجرہ سلطنت گزین بارہ
 نہال خلافت پادشاہ زادہ والا قدر محمد معظم کہ در دکن بودند
 پیشکشی مشتمل بر یک زنجیر فیل و نغائس اقمشہ و دیگر
 تحف و رعایب پیشکش قطب الملک مشتمل بر چہار زنجیر فیل
 و زواہر جواہر و پیشکش عادل خان از نوادر مرصع آلات بنظر
 قدسی برکت رسید و جعفر خان و راجہ جیسنگہ و اصالت خان
 ہریک پیشکش شایستہ گذرانید و از جانب وزیر خان دو زنجیر
 فیل و چہار سر اسپ و برخی جواہر ثمینہ از نظر انور گذشت و
 محمد امین خان و دانشمند خان و داؤد خان و کنورام سنگہ و فدائی
 خان و احدشام خان و بعضی دیگر از عمدہا درخور حال پیشکشها

بمحل عرض رسانیدند و بهادر خان صوبه دار اله آباد که مشهور
عاطفت بطلبش صادر شده بود از آنجا رسیده سعادت ملازمت اکسیر
خاصیت دریافت و یک هزار اشرفی و دو هزار روپیه بصیغه نذیر
و پیشکشی شایسته گذرانیده بعنایت خلعت خاص و شمشیر
مشمول انظار عاطفت شد و دلیر خان که بموجب یرلیغ طلب از بنگاله
رسیده بدولت زمین بوس فائز گردید و یک زنجیر فیل و نه سراسپ
ژانگن برسم پیشکش گذرانیده بعطای خلعت کموت افتخار پوشید
و ملا یحیی برادر ملا احمد ناتیه سه زنجیر فیل و گوپال سنگه هاده
یک زنجیر فیل برسم پیشکش گذرانیدند و میر حاجی فولاد ابلچی
عبد الله خان والی کاشغر که خان مذکور او را با صیغه اخلاص و ولا
و مختصر ارمغانی از نوادر آن دیار باستان سلاطین مدار فرستاده بود
شرف اندوز ملازمت اشرف گشته مشمول مکارم خسرانده شد هشتم
ماه مذکور احتشام خان بمرحمت اسپ مباهی شده رخصت
جاگیر یافت و راجه کشن سنگه تونور و راجه امر سنگه فروری
خلعت یافته در سلک کومکیان صوبه کابل منتظم گشتند و درین
هنگام بعرض همایون رسید که میرزا نور صفوی که برسم گوشه نشینی
در مستقر الخلفه اکبر آباد بسر می برد باجل طبیعی و دیعت حیات
مستعار سپرد و فیض الله خان قرارل بیگی که پسرش فوت شده بود
و اسد خان که کوچ او در گذشته بود هر یک بعنایت خلعت مشمول
نوازش گردید و بمقارن خان بمناسبت خویشی آمد خان خلعت
مرحمت شد و ملا عوض وجیه که سابق بذایر تقصیری از منصب
معزول شده بود مورد انظار عنایت گشته بمنصب هزاری صد سوار

مباهی شد و بخدمت تعلیم قوه الظهر حشمت و نامداری معصومه الصدر
 ابهت و کامگاری پادشاهزاده ارجمند محمد اعظم خلعت سرافرازی
 پوشید و میرخان از کوهستان جهون که فوجداری آن باو متعلق بود
 و غضنفر خان از جونپور و مخلص خان از بنگاله و عبد العزیز خان
 از سالوه بموجب یرلیغ طلب رسیده دولت زمین بوس دریافتند و سیدی
 احمد که والی حبشه اورا با رقیمه نیاز و مختصر پیشکشی بدرگاه
 سلاطین پناه فرستاده بود بدولت استلام شده سپهر احترام فائز گشته
 تشریف عنایت پوشید و پس از روزی چند دگر باره بعطای خلعت
 و انعام ده هزار روپیه کاصیاب مرحمت شده رخصت انصراف
 یافت و مصحوب او از نقد و جنس موازی بیست و پنج هزار روپیه
 برای والی مذکور مرسل گشت و شیخ سعد الله فرستاده حاکم
 عمان دولت اندوز ملازمت اکسیر خاصیت شده بعنایت خلعت و
 انعام پنج هزار روپیه مورد نوازش گردید و او نیز بزودی رخصت
 معاودت یافته ده هزار روپیه بجهت حاکم مذکور مصحوب او مرسل شده

جشن وزن خجسته قمری

درین اوقات فرخ سمات که از میامن حق پرستی خدیو صورت
 و معنی دین دولت یگرنگ بود و غنی و فقیر در پله میزان
 سعادت هم سنگ فرخنده جشن وزن قمری خورشید اوج خلافت
 و سروری در رسیده جهانیدان را نوید عشرت و شاد کامی داد
 و اواسط روز مبارک شنبه بیست و یکم فی قعد مطابق بیست
 و هشتم خرداد که بارگاه سلطنت و دولت سرای عظمت باقرین

خسروانی آرایش یافته بود در محفل فیض بنیاد غسل خانه
 وزن مسعود باین معهود بفعل آمد و سال چهل و هفتم قمری
 از عمر میمنت قرین خدیو زمان و زمین بهزاران فرخندگی
 و فیروزی بانجام رسیده سال چهل و هشتم بسعدت و بهروزی
 آغاز شد درین جشن همایون عاطفت پادشاهانه گوهر افسر
 حشمت و اقبال طراز مسند ابهت و جلال پادشاهزاد و الا قدر
 محمد معظم را بعنایت خلعت خاص و انعام یک لک روپیه فواخته
 بمتصدیان دکن یرلیغ رفت که مبلغ مذکور را از خزانه آنجا
 بسوکاران عالی تبار رسانند و براجه جیسنگه و چندی از امرای
 نامدار خلعت عطا شد و جعفرخان بعنایت خنجر با علاقه سروارید
 مورد نوازش گردید و بهادر خان بمرحمت خلعت و شمشیر و اسپ
 با ساز طلا سربلند گشته بانه آباد که صوبه داری آن بار تعلق
 داشت مرخص شد و دلیر خان بعنایت اسپ با ساز طلا مباهی
 گشته رخصت جاگیر یافت و طاهر خان بعطای هفت سراسپ
 مطمح انظار مکرمت شد و منصب شاه قلی خان فوجدار آورده باضاد
 پانصد سوار دوهزاری دوهزار سوار از انجمله یک هزار سوار دو اسبه
 سه اسبه مقرر شد و ملا یحیی برادر ملا احمد نایبه که چنانچه گزارش
 یافته از بیجاپور روی نیاز بدرگاه خلایق پناه آورده بود بمنصب
 دو هزار سوار و مرحمت اسپ با ساز طلا و شمشیر با ساز
 میدناکار و مخلص خان از اصل و اضافه بمنصب دو هزار پانصد
 سوار سراسپ گشتند و منصب سواد خان زمیندار تبت از اصل
 و اضافه هزار سوار قرار یافت و میر عزیز داروغه عدالت

و برق انداز خان هر یک از اصل و اضافه بمنصب هزاری دو صد
سوار مقتدر گشت و میر حاجی فولاد ایلیچی عبد الله خان
والی کاشغر بعنایت خلعت و انعام پنج هزار روپیه و جمعی از
رفیقانش بانعام چهارده هزار روپیه بهره اندوز عاطفت گشته
رخصت انصراف یافتند و مصحوب سفیر مذکور از نقد و جنس
سی هزار روپیه برای خان مذکور فرستاده شد و عبید الله خان
فوجدار نرور و بهادر چند زمیندار کمانون و جمعی دیگر از امرای
اطراف بمرحمت ارسال خلعت سرمایه افتخار اندوختند و سید
عنایت الله که کد خدا می شد بعنایت خلعت و اسپ و جیفه
مرصع و انعام پنج هزار روپیه و شیخ قطب بانعام دو هزار روپیه و
منصور ولد ملک عنبر بانعام یک هزار و پانصد روپیه و شیخ
عبد الوهاب بخاری و شیخ مصری و دوست محمد خطیب و دوازده
کس دیگر هر یک بانعام یک هزار روپیه فیض اندوز عنایت گشت
و سید جعفر ولد سید جلال بخاری و سید محمد پسرش که در
موطن مالوف خود گجرات بودند بمرحمت ارسال خلعت و انعام
دو هزار روپیه مورد التفات گردیدند و ملاحیدر عالی داماد ملا عبد الله
شومتری مشهور که درین اوقات بمساعدت بخت از ایران باستان معلی
رسیده بود بعنایت خلعت و انعام دو هزار روپیه و وظیفه شایسته
کامیاب شد و پنج هزار روپیه بزمرد نغمه سنجان و سرود سرایان آن
بزم عشرت پیرا عطا گشت و آن جشن فرخنده تا سه روز جهانیان
را طرب افروز بود - از سوانح بهجت انرا آنکه درین هنگام از
مرغه داشت گوهر افسر چشمهت و اقبال فروغ اختر عظمت و جلال

بادشاهزاده فرخنده خصال محمد معظم بظهور پیوست که هفدهم
 ذی قعدة در مشكوی دولت آن عالی قدر والا تبار بعد انقضای سه
 پاس از روز مذکور از بطن عصمت نقاب والده کریمه سلطان
 معز الدین پسری والا گوهر متولد شد حضرت شاهنشاهی آن نوگل
 حدیقه سلطنت را بسطان اعز الدین موسوم ساختند و امان الله
 ملازم بادشاهزاده والانزاد را که عرضه داشت ایشان آورده بود بخلعت
 و انعام دو هزار روپیه نواختند هشتم ذی حجه مطابق میزدهم تیر
 ماه جشن عید گلابی منعقد شده بادشاهزاده های کامگار عالیقدر و
 امرای نامدار بآئین معهود رسم گذرانیدن صراحیهای مرصع و سینا کار
 بجای آوردند نهم ماه مذکور که عید فرخنده اضحی بون بارگاه
 سلطنت و جهانبانی بسط بساط حشمت و تجمل آذین پذیرفته
 دگر باره نوای کوس خسروانی نغمه عشرت و شادمانی بمسامع
 جهانیان رسانید و حضرت شاهنشاهی بدستور مقرر فیض قدوم
 بعیدگاه بخشیده نماز عید بجماعت گزارند و پس از معاودت در
 محفل پیر مشاغل خاص و عام سرور آرای اقبال و انجمن امروز
 کاسرانی گردیدند درین روز خجسته جعفر خان بعذایت خلعت
 خاص اختصاص یافت و اصالت خان بمرحمت امپ با ساز طلا
 مباهی شده بمراد آباد مرخص گشت و خنجر خان فوجدار معظم
 نگر بعذایت ارسال علم لوای تفاخر بر افراخت و میررضی الدین
 بفوجداری مرکز سارن از تغیر منکلی خان معین شده بعذایت
 خلعت و از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی هشت صد سوار
 سرفراز گشت و سید انور که سابق فوجدار مرکز خیر آباد بود

بفوجداری گوالیدار تعیین یافته بعنایت ارسال خلعت سرمایه
مباهات اندوخت و منصبش از اصل و اضافه هزاری نه صد سوار
مقرر شد و میر اسفندیار معموری بفوجداری خیر آباد منصوب شده
بعنایت خلعت و اسب سربلند گردید و محمد شریف خویش
اعظم خان مرحوم که تازه از ایران آمده بود بمرحمت خلعت و
انعام دوهزار روپیه نوازش یافته سرافراز دولت بندگی گشت *

فرستادن مصطفی خان بسفارت توران

چون عبد العزیز خان والی بخارا در چهارم سال این سلطنت
عالم آرا خواجه احمد خلف خواجه خاند محمود را چنانچه در مقام
خود گزارش یافته با تهنیت نامه و مختصر ارمغانی از نفائس
توران برسم حجایت جهت مبارکباد جلوس اشرف بر سریر
خلافت و جهانبنایی باستان معلی فرستاده بود و بعد ازان همواره
بارسال هدایا و ابلاغ پیام صدق و ولا اظهار مراتب موافقت
و یک رنگی می نمود لاجرم حضرت شاهنشاهی را درین ایام
سعادت فرجام بمقتضای کمال عطفوت بر خاطر ملکوت ناظر
پرتو افکند که یکی از ایستادهای بساط قرب و حضور را بسفارت
توران مقرر نموده جواب نامه آن خان والا درودمان با ارمغانی
شایان مصحوب او ارسال دارند و مصطفی خان خوانی که از دیرین
بندهای سنجیده درگاه آمان جاه امت بتقدیم این خدمت معین
گشته هژدهم ذی حجه مرخص شد و هنگام رخصت بعنایت خلعت
و اسب باساز طلا و شمشیر باساز میثاکار و جمدهر مرصع با علاقه

مروارید و سیر و ترکش هر دو با ساز میذاکار و ماده فیل با حوضه
 سربلند شد و مصحوب او نامه که بموجب امر اعلی دانشمند خان انشا
 کرده بود با موازی یک لک و پنجاه هزار روپیه از نوادر مرصع آلات
 و نفائس اقمشه هندوستان بجهت خان مذکور فرستادند و چون
 سبحان قلی خان والی بلخ نیز در سیوم سال جلوس همایون چنانچه
 درین صحیفه متأثر اقبال گزارش یافته ابراهیم بیگ راکه از عمدهای
 او بود برسم سفارت بجناب عالمیدان مآب فرستاده در ادای مراسم
 تهنیت بر عبد العزیز خان سبقت گزیده بود گیتی خدیو مکرمت
 پرور قدر دان آن خان والا مکان را هم با رسال نامه عطوفت عنوان موازی
 یک لک روپیه ارمغان یاد آوری فرمودند درین هنگام غضنفر خان
 بصوبه داری تهته از تغیر قباد خان منصوب گشته بعزایت خلعت
 و اسپ با ساز طلا و یک زنجیر فیل باضافه پانصدی هزار سوار بمنصب
 سه هزاری سه هزار سوار از انجماء هزار حوار و او پده سه اسپه سربلند شد و سادات
 خان از کومکیان صوبه بهار به موجب برادغ طلب از ان حدود رسیده دولت
 زمین بوس دریافت - و از سوانح صوبه بنگاله معروض پیشگاه خلافت
 شد که میر صالح داماد شاه نواز خان و درست کام ولد معتمد خان
 که در سلک کومکیان آن صوبه منتظم بودند باجل موعود در گذشتند -
 و از وقائع دار الملک کابل بمسامع حقائق مجامع رسید که بشارت
 خان دیوان آنجا باجل طبیعی سپری شد - و از وقائع سهرند بظهور
 پیوست که باقر خان فوجدار آن چکله را روزگار حیات بسر آمد و
 عبد العزیز خان بجای او معین شده بمرحمت خلعت و اسپ
 مباحثی گشت بیست و سیوم محرم نامدار خان که در سلک کومکیان

مهراجة جسونت سنگه انتظام داشت و در تذبذبه و تادیب سیوانی
 مقهور ترددات نمایان ازو بظهور رسیده بود بموجب فرمان طلب
 از انجا رسیده بجهت سائی آستان خلافت جدیدین عبودیت نورانی
 ساخت و بعنایت خلعت قامت افتخار افراخت و درین ایام
 بمناصبت موسم برشکال بهار گلشن جاه و جلال سحاب چمن
 حشمت و اقبال پادشاهزاده ارجمند محمد معظم و مهراجة جسونت
 سنگه و امیر الامرا و نجایب خان و وزیر خان و دیگر عمدهای
 اطراف بعنایت خلعت بارانی نوازش یافتند و راجه جیسنگه
 و جعفر خان و محمد امین خان و دیگر امرای حضور و ایستادهای
 پیشگاه قرب بر حسب ترتیب قدر و منزلت باین مرحمت
 سرفراز گردیدند و چون از فیض باران رحمت ایزدی هوا اعتدال
 یافته دشت و صحرا بنضارت و خرمی گرائیده بود حضرت
 شاهنشاهی مکرر بسمت آغر آباد و دیگر صید گاه های اطراف
 دارالخلافه توجه نموده نشاط سیر و شکار اندوختند و آهوی بسیار
 صید فرمودند و درین اوقات راجه فرسنگه کور از بنگاله رسیده احراز
 دولت ملازمت اشرف نمود و خلعت یافته بوطن مرخص شد و
 از منصبش که هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار بود پانصد سوار
 دو اسبه سه اسبه مقور گردید و چون به عرض همایون رسید که خواجه
 نذیر درین ایام بقلعه دارمی رهناس تعیین یافته بود باجل طبیعی
 در گذشت و ابو مسلم بحراست آن حصن سپهر اساس معین شده
 بعنایت خلعت نیکنام خانی سرفراز گردید و بزرگ امید خان بعنایت
 خلعت مباحی گشته به بنگاله رخصت یافت حکم والا صدور یافت که

نزد امیرالامرا باشد و منگلی خان که از فوجداری سرکار سارن معزول شده بود سعادت زمین بوس دریافت و در بارخان خواجه سرا بخدمت ناظری حرم سرای مقدس از تغیر جواهر خان مورد انظار اعتماد گشته خلعت سرفرازی پوشید و فوجداری نواحی دار الخلافه از تغیر فوجدار خان ضمیمه خدمت فولاد خان کوتوال گشته خلعت باو مرحمت شد و منصبش افزایش پذیرفت هشتم ربیع الثانی چون دسهره بود که عید هندوانست عاطفت بادشاهانه راجه جیسنگه را بعطای خلعت خاص نوازش نمود شانزدهم ماه مذکور داراد خان که از صوبه داری پنده معزول شده بوه ادراک شرف ملازمت کیمیا خاصیت نموده بعطای خلعت مشمول عنایت گشت و هنر خان که از قلعه داری رهنداس معزول شده بود از انجا رسیده بجز بساط بوس فائز گردید •

تعیین راجه جیسنگه با افواج منصور

جهت دفع سیوای مقهور

چون آن نابکار شقاوت شعار که مجملی از حال خسران مآل او درین صحیفه مآثر اقبال گزارش پذیرفته در ولایت خود باستظهار قلاع حصین و معادل متین و کثرت جمعیت اوباش و دکنیان و افعه طالب فتنه آئین کمال قوت استقلال یافته ریشه استقرار دران سرزمین فرو برده بود و شیوه تاخت و قزاقی پیش گرفته غبار شورش می انگلیخت و ازین جهت که ولایتش بساھل دریای شور نزدیکست و بندری چند در تصرف داشت

مانند طائفه ملیدار بدزدی و رهنزی برکشتی نشینان نیز بدگوهری
 خویش هویدا میساخت و هرگاه کشتی مورد فتور دریاگشته بیگی
 از بندرهای او می افتاد تمامی اموال و اشیائی که در آن بود دست
 خوش جور و تعلب او می گشت چنانچه درین ایام بظهور پیوست که
 چهار بزرگی که جمعی کثیر از طوائف تجار باموال و امتعه بسیار در آن
 بودند طوفانی شده بقبضت تصرف و استیلائی از درآمده بود و آن کادر
 بجای دست تطاول باخذ و نهب اموال آن مسکینان گشوده تمامی
 را متصرف شد و مع هذا مالکان اموال را که اکثر مسلمان بودند
 مقید و محبوس ساخته باضرار و آزار طلب زیادتیی می نمود و از
 ظلم پرستی و شقاوت پروری مدت ها آن محنت زدگان را باین سبب
 در شکنجه تعب مبتلا داشت تا آنکه جمعی از آنها که در موطن و
 و مسکن خویش بقیده ثروت و بضاعتی داشتند از آن جمله مبلغ های
 کلی طلب داشته پاو دادند و از چنگ جبر و بیداری آن صلاحت
 کیش بد نهاد رهائی یافتند و مهاراجه جسونت سنگه که با عمائر
 قاهره باستیصال او تعیین یافته بود اگرچه بر سر ولایت آن مردود
 رفته یکا چند بمحاصره بعضی از قلاع اوقیام ورزید و در تخریب
 ولایت و تسخیر حصون آن مقهور سعی موفور بظهور رسانید لیکن
 اثری که مطلوب اویدایی دولت بود بر کوشش او مترتب نشد و
 هیچ یک از قلعهایی عظیم آن منخزل لذیم مفتوح نگشت و مهم او
 بطول و امتداد کشید لاجرم درین اوقات سعادت پیرای ملک آرای
 حضرت شاهنشاهی که مطرح انوار الهام آلهی و مرآت صور اسرار
 سلطنت و جهان پداهیست چنان تقاضا نمود که یکی از نوینان

بارگاه خلافت را با لشکری تازه و سامانی شایسته بدفع آن ضلالت
 آئین تعیین نموده مهاراجه جسونت سنگه را به پیشگاه حضور
 لامع النور طلب دارند و راجه جیسنگه را که از راجه‌های ذی شان و
 بحسن تدبیر و جمعیت لشکر و وفور سامان سرداری و سرلشکری
 را شایان بود با چندی از امرای نامدار و عمده‌های آستان سپهر
 مدار مثل دلیر خان و داود خان و راجه‌رای سنگه میسودی و احتشام
 خان شیخ زاده و قباد خان و راجه سجان سنگه بندیله و کیرت سنگه
 و ملا یحیی نایبه و راجه نرسنگه گور و پورنمل بندیله و زبر دست
 خان و بادل بختیار و برق انداز خان و دیگر مبارزان نصرت شعار با
 توپخانه و سایر ادوات نبرد و پیکار که همگی قریب چهارده هزار
 سوار بودند بتقدیم این خدمت تعیین نموده مقرر فرمودند که آن
 زبده راجها و جمعی که در رکاب ظفرمآب بودند در جشن مبارک
 شمسی که وقوع آن نزدیک بود بدان صوب مرخص کردند و یرلیغ
 گیتی مطاع بنام دلیر خان و احتشام خان و برخی دیگر که در
 محال تیول خویش بودند بعز صدر پیوست که از آنجا عازم مقصد
 گشته به راجه مذکور پیوندند *

چشن وزن مبارک شمسی

درین ایام فرخنده انجام که از فیض این دولت آسمانی عرصه جهان
 بهارستان طرب و شادمانی که انجمن گیتی نگارستان عشرت و کامرانی
 بود موسم وزن شمسی خورشید اوج خلافت و جهانستایی در رسیده
 جهانیان را نشاط تازه بخشید و روز مبارک شنبه نوزدهم ربیع الاول

مطابق هفدهم آبان که بارگاه حشمت و دولت سرای سلطنت
 باشاره والاؤدین خسروانی و شکوه آسمانی یافته بود بعد از انقضای
 درپاس و سه گهزی از روز مذکور در مسجد فیض بنیاد غسلخانه
 همایون جشنی بادشاهانه انعقاد یافته عنصر انور و پیکر کرامت
 پرور گیتی خدیو دانگر معدنت گستر را باشیای معهوده بتائید
 مقرر منجیده شد و سال چهل و ششم شمسی از عمر اشرف قرین
 سعادت و اقبال بانجام رسیده سال چهل و هفتم به نیک اختری
 و بهروزی جلوه جهان افروزی آغاز کرد و حضرت شهنشاهی بعد
 فراغ از وزن مسعود دران انجمن طرب پیرا سریر آرا گشته بکام
 بخشی خلایق پرداختند و نهال آمال بسیاری از عبودیت منشان
 ارادت سگان را از فیض بهار مکرمت و انضال کامیاب نشو و نما
 ساختند دران روز عشرت افروز رخسند اختر برج سلطنت تابنده
 گوهر درج خلافت بادشاهزاده ارجمند والاؤد محمد معظم که در
 دکن بودند بعنایت دوسر اسپ عربی مورد عاطفت گردیدند و
 و خنجر خاصه باعلاقه مروارید بنو گل حدیقه دولت تازه نهال ریاض
 حشمت بادشاهزاده کامگار محمد اعظم عطا شد و جعفر خان بعنایت
 خلعت خاص با نادری قامت امتیاز افراخته باضافه هزار
 سوار بمنصب هفت هزار هفت هزار سوار از انجمله چهار هزار سوار
 دو امده سه امده والاؤد رتبهگی یافت و راجه جیسنگه که بافواج
 قاهره بدفع و استیصال میوایی مقهور معین شده بود بعنایت
 خلعت خاص با نادری و شمشیر مرصع و یک صد اسپ از انجمله
 بیست راس عراقی و عربی یکی با زمین و ساز طلا و فیل خاصه با

تیر و ساز نقره و جل زربفت مورد عواطف بادشاهانه گشته مرخص
شد و مرتضی خان باضافه یک هزار سوار بمنصب پنج هزاری پنج هزار
سوار و فدائی خان از اصل و اضافه بمنصب چهار هزاری دو هزار و پانصد
سوار و فیض الله خان باضافه پانصدی بمنصب چهار هزاری دو
هزار سوار مشمول مراسم خسروانه گردیدند و سادات خان بقوجدارعی
شاه آباد تعیین یافته بعنایت خلعت و باضافه پانصدی بمنصب
دو هزار و پانصدی دو هزار سوار سرفراز شد و حسن علی خان
باضافه پانصدی بمنصب دو هزار و پانصدی یک هزار و هفت صد
سوار و مبارز خان بعنایت ماده فیل و خنجر خان فوجدار معظم
باضافه پانصدی بمنصب دو هزاری پانصد سوار و سیف الدین
صفوی بخطاب کامیاب خانی و از اصل و اضافه بمنصب هزار و
پانصدی هفت صد سوار و قلعه دار خان حارس قلعه غزنین بعنایت
ارسال خلعت و یک زنجیر فیل و حکیم صالح شیرازی بخطاب
صالح خانی و باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی بمنصب
یک صد سوار و حاجی شفیع دیوان دکن بخطاب شفیع خانی و
از اصل و اضافه بمنصب هزاری دو صد و پنجاه سوار و بختاور خان
و دربار خان هر یک بعطای ماده فیل کامیاب مرحمت گشتند و
از اصل و اضافه هادیخان از کومکدان صوبه بهار بمنصب دو هزاری
شش صد سوار و روح الله خان و معتمد خان خواجه سرا هر یک
بمنصب هزار و پانصدی شش صد سوار و الثفات خان بمنصب هزار
و پانصدی دو صد سوار و حمید سلطان کربلائی بمنصب هزار و پانصدی
هفت صد سوار و گدا بیگ بمنصب هزاری و چهار صد سوار مفتخر

گردیدند و از گروهی که با راجه جیسنگه بدکن معین گشته بودند
 داؤد خان بعنایت خلعت و اسپ با ساز طلا و یک زنجیر فیل مبهاهی
 شد و منصبش که چهار هزاری چهار هزار سوار بود باضافه هزاری
 انزایش پذیرفته و یک هزار سوار از تایلینانش در اسپه سه اسپه مقرر گردید
 و راجه رایسنگه سیدسودیه بعنایت خلعت و اسپ با ساز طلا و جمدهر
 مرصع باعلاقه مروارید و قباد خان بعنایت خلعت و اسپ و باضافه
 پانصدی بمنصب سه هزاری دو هزار سوار و کبیرت سنگه بمرحمت
 خلعت و اسپ و از اصل و اضافه بمنصب در هزار و پانصدی هزار
 و هفت صد سوار و ملا یحیی نایده بعنایت خلعت و میل و باضافه
 پانصد سوار بمنصب در هزاری هزار و پانصد سوار و راجه نرسنگه
 کور و پورنمل بنذیله هر یک بمرحمت خلعت و اسپ و بادل بخدیار
 و برق انداز خان و بسیاری از مبارزان شہامت نشان بعطای
 خلعت و برخی بعنایت اسپ نوازش یافته مرخص گشتند و محمد
 لطیف ولد مکرمت خان مرحوم بدیوانی آن جیش مسعود خلعت
 سرافرازی پوشید و جانی بیگ به بخشیدگری آن لشکر مقرر گشته
 بعنایت اسپ و خلعت مبهاهی شد و بجهت دلیر خان خلعت
 دیگر و یک زنجیر فیل و برای احتشام خان خلعت مرسل گشت
 و از امرای دکن سرافراز خان و فطاب الدین خان و زنده راه خان و
 شرزه خان و هلال خان و غالب خان و جوهر خان و دتاجی بعنایت
 ارسال خلعت سرمایه مبهات افدوختند و درین روز هوشدار خان
 صوبه دار مستقر الخانہ اکبر آباد که بموجب التماس به پیشکا
 حضور آمده بود شرف زمین بوس دریافتد بعنایت خلعت مرسلند

شد و پریم سنگه زمیند از سری نگر که پدرش اورا بخداست گزازی
 بارگاه خلافت پناه فرستاده بود دولت اندوز تقبیل سده سنیه گشته
 پیشکشی از طلا آلات و اسپان کوهی و جانوران شکاری بمحل عرص
 رسانید و بعزایت خلعت و سرپیچ و ارزبسی و پهونچی مرصع و
 منصب هزارمی پانصد سوار مورد عاطفت گردید و احمد بیگ خان
 بانعام ده هزار روپیه و قاضی عبد الوهاب اقصی القضاة بمرحمت
 ماده فیل و انعام یکهزار روپیه و عبد الله ولد حاجی قاسم خوش نویسن
 که کد خدا میدشد بانعام چهار هزار روپیه و محمد قاسم چوراغاسی
 که تازه از توران باستان سپهر نشان رسیده بود بمرحمت خلعت و
 جیفه مرصع و انعام دو هزار روپیه و خواجه سکندر که او نیز بتازگی
 ازان دیار آمده بود بعزایت خلعت و خنجر و انعام دو هزار روپیه
 و سید شیر محمد قادری بانعام سه هزار روپیه و ملا محمد مقیم
 کاشی که از خاصان و مصاحبان پیشکوه بود بانعام دو صد اشرفی و
 شیخ عبد الملک و سعیدای خوش نویس و خواجه کمال الدین و
 شیخ الله داد هریک بانعام دو هزار روپیه و سید شیخ همشیرزاده
 سید جلال بخاری بانعام یک صد اشرفی و محمد وارث و خواجه قادر
 محتسب و بیست کس دیگر هر کدام بانعام یک هزار روپیه بهره
 اندوز عاطفت گردیدند و دو هزار روپیه بنغمه سنجان و سرودسرایان
 آن انجمن والا عطا شد و درین بزم مسعود نوایندگان نامدار و امرای
 عالیمقدار رسم نثار بجای آورده پیشکشیها گذرانیدند و تا سه روز
 این جشن خسروانی جهانیدان را سرمایه شادمانی و پیرایه کامرانی
 بود درین ایام چون هوا بسردی گرائیده موسم شکار نیله کار رسیده بود

خاطر مبارک شهنشاه روزگار بنشاط شکار مائل شده دوم جمادی
 الاولی باغرا آباد شرف قدوم بخشیدند و شش روز در نخچیر گاههای
 نواحی آن نشاط صید اندوخته نیده گو بسیار شکار فرمودند دهم ماه
 مذکور میرزا سلطان صفوی جاگیر دار دهامونی از آنجا رسیده احراز
 دولت ملازمت نمود و یک هزار اشرفی بصیغه نذر و نه زنجیر فیل
 و برخی جواهر و مرصع آلات برسم پیشکش گذرانیده خلعت نوازش
 پوشید و هوشدار خان صوبه دار مستقر الخلفه اکبر آباد بمرحمت
 خلعت و شمشیر و اسب با ساز طلا مبهایی شده مرخص گردید و
 از وقایع صوبه مالوه بمسامع حقائق مجامع رسید که نجابت خان
 صوبه دار آنجا جهان گذران را پدروی نمود و نظم مهم آن صوبه بوزیر
 خان صوبه دار خاندیس تفویض یافته یرابغ همایون صادر شد که
 بدان صوب شتافته به بند و بست مهمات آنجا پردازد و بعنایت
 ارسال خلعت خاص اختصاص یافت و دارو خان که در سلک گومکیان
 راجه جیسنگه انتظام یافته بود بصوبه داری خاندیس مقرر گشته
 فرمان شد که یکی از اقارب خویش باجمعی از تابدینان در بلده طیبه
 برهانپور گذاشته خود با تدمه سپاه عازم مقصد شود و عاطفت خسروانه
 غیرت خان خلف نجابت خان را که کامیاب خدمت حضور بود
 بعطای خلعت از کسوت سوگواری برآورد و معتقد خان و امعیل
 خان و دیگر پسران آن خان مرحوم را که از پایه سریر سلطنت دور
 بودند با ارسال خلعت نوازش فرمود و بعرض اشرف رحید که خنجر
 خان فوجدار معظم نگر را روزگار حیات برآمد و الله یار پسرش
 بعطای خلعت از لباس کدورت برآمد و رزق الله خان که از مستقر

الخزانة اکبر آباد آمده بود بعنايت خلعت مفتخر گشته رخصت
 انصراف يافت و راجه تودرمل ناظم مهمات چکنه اداره که بر موجب
 طلب بحضور پرنور آمده بود خلعت يافته بخدمت مرجوعه مرخص
 شد و مبارز خان از کابل رسیده شرف زمین بوس دریافت و
 بعنايت خلعت سرامراز گشت و عبدالله خان از تغيير راجه اندر من
 دهندیره بفوجداری شاه آباد از اموال صوبه سالوه معين گشته
 باضافه پانصد سوار بمقصد دو هزار و پانصد سوار تارک اعتبار
 براراحت و قاضی عارف ششمیری بفکارش سوانح احوال تربيت خان
 که په حجابت ایوان زمین رفته بود تعین يافته بعنايت خلعت و
 اسب و انعام پنج هزار روپيه مدهی گردید و حکم شد که بزودی روانه
 گشته بخان مذکور ملحق گردد هشتم جمادی الآخرة از عرضه داشت
 گوهر محیط حشمت و بخنداری اختر سپهر عظمت و کمکاری
 بادشاهزاده والا قدر محمد معظم که در صوبه دکن بودند بظهور پیوست
 که بیست و ششم جمادی الاوی در مشکوی دولت آن والا تبار از بطن
 دختر ستوده سیر راجه روپ سنگه راتهور گرامی پسری تولد يافته
 فروغ بخش دیدی اقبال گردید و یک هزار اشرفی که بصیغه نذر
 فرستاده بودند بمحل عرض رسید حضرت شاهنشاهی از ورود آن مزده
 دولت پیرا مسرور و مبتهج گشته آن مولود مسعود را بمسلطان عظیم
 الدین موسوم ساختند و میر معين ملازم بادشاهزاده کامگار را که
 عرضه داشت ایشان آورده بود بمرحمت خلعت و اسب و انعام دو هزار
 روپيه و میرزا محمد وکیل آن عالی نسب را بعنايت خلعت نوازش
 فرمودند یازدهم ماه مذکور آله وردی بخان از گورک پور که باقطاع او

تعلق داشت رسیده جبهه سای عتبه خلافت گردید و چهارده زنجیر
 فیل که از زمیندار مورنگ گرفته بود با نه زنجیر فیل پیشکش خود
 بمحل عرض رسانیده خلعت عاطفت پوشید و یک زنجیر فیل پیشکش
 نصیر خان بنظر اکسیر اثر رسید و درین ایام پادشاه زادهای
 عالیقدر و الامقام و امرای عظام که فیض افروز خدمت حضور بودند
 بمرحمت خلعت زمستانی برسم معهود مورد نوازش گردیدند و نهال
 بوستان سلطنت طراز کسوت ابهت پادشاهزاده ارجمند محمد معظم
 و امرای اطراف باین عزایت عز اختصاص یافتند و مکرر رایت
 اقبال بسمت آغراباک و پالم و خضرآبک و دیگر شکارگاههای اطراف
 دارالخلافه باهتزاز آمده خاطر اقدس از سیر و شکار آن حدرد بهجت
 آمود شد و بفیض آلاء خان قراول بیگی و زمره قراولان و عملة شکار
 خلعت شکاری مرحمت گشت و ارسلان علی واد آله ورنی خان
 مرحوم که سابق فوجدار بنارس بود بفوجداری سیوستان از تغییر
 ضیاء الدین خان معین گردید و از اصل و اضافه بمنصب هزاری
 نهمصد سوار از آن جمله هفت صد سوار دو اسبه سه اسبه مباحی
 شده بخطاب ارسلانخان بنامور گشت و پندگ حمزه مخاطب
 بارسلان خان بخطاب خنجر خان سرافراز گردید و هزار خان
 بفوجداری بنارس از تغییر ارسلان خان و از اصل و اضافه بمنصب
 هزار و پانصدی هفت صد سوار مفضل شد و بعرض اشرف
 رحید که فیروز خان میوتی فوجدار دیداپور و حقیقت خان
 که در سلک گوشه نشینان بود باجل ضرعود درند آمدند و دیندار
 خان بفوجداری دیداپور تعیین یافته بعنایت خلعت واسپ و

باضافه هشت صد سوار بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار سوار
 مباحی شد و چون خواجه عبد الغفار بمادت معهود از ماوراء النهر
 عریضه مبنی بر مراسم عبودیت و دعا گوئی بدرگاه خلائی پناه
 ارسال داشته بود از خزانه احسان پادشاهانه هفت هزار روپیه
 در وجه الیم خواجه مزبور و سه هزار روپیه بفرماندهای او عطا
 شد درازدهم رجب حضرت شاهنشاهی بالتماس مخدرا تقی
 عصمت نورس بانو بیگم زوجة کریمه شاهنواز خان مرحوم شرف
 قدوم بسر منزل او بخشیده آنجا نعمت خاصه تناول فرمودند و آن
 بانوی حمیده اطوار ادای مراسم پای انداز و نثار و شکر مقدم خدیو
 روزگار بجا آورده پیشکشی گذرانید و درین هنگام میرخان فوجدار جمون
 که به پیشگاه حضور آمده بود رخصت آن حدود یافته بعزایت خلعت
 و اسب سر بلند گشت و سید شیرخان بارهه از کومکیان صوبه ادرسه
 بقلمه داری انندیاری و فوجدار می نواحی آن تعیین یافته از اصل
 و اضافه بمنصب هزار و پانصد سوار سرافراز شد و چون فدائی خان
 محمد صالح که پسر خود را که خدا میکرد پیشکشی بنظر همایون درآورده
 التماس رخصت نمود و عاطفت پادشاهانه پسرش را بعطای خلعت
 و خنجر مرصع نوازش فرمود و سید سلطان کرمانی که از نیز
 کدخدا میشد بعزایت خلعت و خنجر مرصع سرمایه افتخار اندوخت
 بیست و سیوم ماه مذکور معروض پیشگاه خلافت گردید که نیکنام
 خان قلمه دار رهناس بساط حیات در نوردید و وی بیگ گولابی
 بحراست آن حصن سپهر اساس معین بنده از اصل و اضافه بمنصب
 هزار و چهار صد سوار مباحی شد و دلار خان بقلمه داری رتنپور

که تا رسیدن عید سعید بترتیب اسباب و سرانجام لوازم جشن مسعود پرداخته محفل سپهر اساس خاص و عام و انجمن خلد مدل غسلخانه را برسم هر ساله آذین عشرت و شادمانی بندند درین هنگام آله وردیخان فوجدار گورکوپور که چنانچه مذکور شد بد پیشگاه حضور آمده بون بخدمت مرجوعه مرخص گشته بعطای خلعت و اسپ با ساز طلا و سپر با ساز میدناکار مشمول عاطفت شد و معین خان بدیوانی دارالملک کابل از تغیر حکیم نور الدین منصوب گشته بعذایت خلعت و اسپ سر بلندی یافت و مقیم خان از تغیر او بدیوانی سرکار ملکه ملکی خصال تقدس نقاب طراز هودج مفت و احتجاب روشن رای بیگم خلعت سرافرازی پوشیده از امن و اضافه بمنصب هزاری دوصد سوار مباحی شد و چون ایام صیام قرین انوار میمنت و شرف بانجام رسید شب جمعه بیست و نهم فروردین هلال فرخنده شوال از افق سعادت طالع گشته چهره آرامی شاهد عیش و نشاط شد فردای آن که عید فرخنده نظر بود و بارگاه خلافت و جهاننوبانی بیسط بساط حشمت و تجمل پبرایش و آراستگی یافته بود نوای عشرت و خوشدلی بلند گشته شادمانه اقبال طنطنه عظمت و جلال بگوش گزاون رسانید بادشاه زادهای کام کار عالیمقدار و امرای نامدار و سایر بندهای آستان گیهان مدار بسده والا و درگاه معلی فراهم آمده آداب عبودیت و تسلیمات تهذیب بجای آوردند و شهذشاه مهر انهر سپهر سرپر

تعیین یافت غیراً شعبان لشکر خان که از صوبه داری تهیه معزول شده بود در اوت زمین بوس یافته بعنایت خلعت مشمول التفات گردید پنجم ماه مذکور سیفخان صوبه دار کشمیر که بموجب التماس بجذاب معلی رسیده بود شرف تقبیل سداً سنیده یافته خلعت نوازش پوشید ششم لشکر خان بصوبه داری پنده از تغیر داره خان تعیین یافته بعطای خلعت و یک زنجیر فیل و اسب با ساز طلا کامیاب مکرمت شد و چون صفی خان میر عبد السلام پسر خود را که خدا میدگرد پیشکشی بمحل عرض رسانیده رخصت طوی خواست و عاطفت پادشاهانه پسرش را بعنایت خلعت و خنجر مرصع نواخت بیست و ششم سیفخان صوبه دار کشمیر رخصت انصراف بآن خطه داپذیر یافته خلعت و اسب با ساز طلا دار عطا شد *

آغاز سال هشتم از سنین دولت والای عالمگیری

مطابق سنه هزار و هفتاد و پنجم هجری

درین اوقات همایون که زمانه را مواد عشرت و کاهرانی روز افزون و دین و دولت به هزاران سعادت و فرخندگی مقرون بود شهر کرامت بهر رمضان در رسیده انوار یمن و برکت بر جهان و جهانیان گسترده و شب چهار شنبه نوزدهم ماه اسفندار رویت آن ماه مهم انوار اتفاق افتاده سال هشتم از سنین خلافت و فرمان روانی طرازنده انسر و تخت شهنشاه موید فیروز بخت بمبارکی و فیروزی و خجستگی و بهروزی آغاز شد و اشاره والا بکار پردازان پیشگاه دولت و سامان طرازان بارگاه سلطنت صادر گشت

مانند بدر منیر و خورشید عالم گیر که بر سپهر بزمین بر آید بر فیل
فلک خرام کوه تمثال نه تخت زرین بر کوه پشت آن نصب
کرده بودند سوار شده بتاوروک و آئین سقر بمصلی توجه فرمودند
و اقامت نماز عید بجماعت نموده پس از مراجعت در ایوان چهل
ستون خاص و عام که تخت فیروز تخت مرصع نگار را دران انجمن
سعادت اساس سرکوب کرسی نه پایه افلاک ساخته در پیش آن
اسپک دلبادل مخمل بر افراخته بودند سریر آرای ابهت و
کامرانی گشت دست نوازش و افضال بکام بخشی و عطا کاری
کشودند و تا پنج روز قرین بخت بیدار و دل هوشیار محفل خرمی
و طرب آراسته باصناف مکرمت و احسان صید دلهای خلایق
فرمودند و چون بدوات از خاص و عام بر خامتند از کمال حق
پرستی و توفیق شعاری دگر باره تجشم حرکت و سواری فرموده
جهت ادای نماز جمعه بر توفیق قدم به مسجد جامع گسترده و بآئین
معهود نماز گزارند درین جشن خجسته برای مهین باره نهال
عظمت و اقبال گزین ثمره شجره ابهت و جلال بادشاهزاده ارجمند
محمد معظم که در دکن بودند خلعت خاص فرستادند و فروغ دردمان
حشمت و کامرانی چراغ خاندان سلطنت و بختیاری بادشاه زاده
عالیقدر محمد اعظم را بمرحمت سه اسپ از طویل خاصه و یک
عقد سروراید و نو گل حدیقه دولت تازه نهال ریاض خلافت بادشاه
ازده والا گهر محمد اکبر را بعطای جیغه و پهونچی مرصع مشمول
عاطفت ساختند و امیرالامرا و راجه جیسنگه و دیگر امرای اطراف
را بعدایت ارسال خلعت کسوت مباحات بخشیدند و جعفر خان

بمهرحمت خلعت خاص اختصاص یافت و وزیرخان صوبه دازمالوه
 که پنج هزاری پنج هزار سوار بمنصب داشت یک هزار سوار از
 تاییدانش دو اچده سه اچده مقرر شد و طاهرخان بمهرحمت هشت
 سراسر از انجمله یکی عربی با ساز طلا و دانشمند خان باضافه
 پانصد سوار بمنصب پنج هزار و پانصد سوار و از اصل و اضافه
 اسدخان بمنصب چهار هزار و سه هزار سوار و میرزا سلطان صفوی
 و نامدارخان هر یک بمنصب چهار هزار و دو هزار و هشت صد سوار
 بمنصب سه هزار و سیصد سوار و عبدالرحمن بن نذر محمد
 خان بانعام چهار هزار روپیه و صف شکن خان که در دکن بود باضافه
 پانصد سوار بمنصب سه هزار و سیصد سوار و افتخارخان باضافه پانصدی
 بمنصب سه هزار و دویست سوار و حسن علی خان بمهرحمت
 اسپ با ساز طلا و مبارزخان بمعنایت پنج سراسر و سید سلطان
 گریلائی باضافه پانصدی بمنصب دوازده هزار و هفت صد سوار و سید
 شیرزمان باره باضافه پانصدی سیصد سوار بمنصب هزار و پانصدی
 هفت صد سوار و از اصل و اضافه همت خان بمنصب دو هزار و
 هزار و دو صد سوار و ملتفت خان بمنصب دو هزار و هشت صد سوار و
 فیاض الدین خان ناظم سهام بندر سورت بمنصب هزار و پانصدی هشت
 صد سوار و سزوارخان بمنصب هزار و پانصدی شش صد سوار و یوسف
 خان بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار و صالح خان بمنصب هزار
 و پانصدی صد و پنجاه سوار و فتاح خان فوجدار پونار بمنصب هزار و
 هشت صد سوار و فرهاد خان از کومکیان صوبه بنگاله بمنصب هزار و
 چهار صد سوار و مکرمت خان دیوان صوبه گجرات بمنصب هزار و